



هیرومند



نویسنده: سالی نیکولز

مترجم: آزاده کامیار

چاپ اول: ۱۳۹۷

طراحی و گرافیک: هیرمند استودیو

مدیر هنری: محمد خاکپور

چاپ و صحافی: چاپ هیرمند

صفحه آرایی: کارگاه نشر هیرمند

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۸-۵۱۱-۶

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

قیمت: ۵۳۰۰۰ تومان

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.



سرشناسه: نیکولز، سالی، Nicholas, Sally. این و نام پدیدآور: تاروت، سفری به کهن الگوها/ به قلم سالی نیکولز؛ ترجمه: آزاده کامیار. مشخصات نشر: تهران، نشر هیرمند، ۱۳۹۷. مشخصات ظاهری: ۴۹۲ص. شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۸-۵۱۱-۶. وضعیت فهرست نویسی: فیبا. یادداشت: عربی اصلی Jung and tarot: An archetypal Journey. موضوع: داستان‌های کودکان (انگلیسی) — قرن ۲۱م. موضوع: Children's stories, English — 21st Century. شناسه افزوده: کامیار، آزاده، ۱۳۶۰-، مترجم. رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ت۲ن/۱/۷۷۲۷ رده‌بندی یویی: ۸۲۳[ج]. شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۱۱۸۲۸.



مراکز فروش:



پخش هیرمند: پونک، مجتمع تجاری بوستان، واحد ۱۷۲۳/اداری

تلفن: ۹۵۱۱۸۵۸۷ www.hirmandpublication.com



شهر کتاب بوستان: پونک، مرکز تجاری بوستان، دور رینگ مرکزی

تلفن: ۴۴۴۹۸۳۴۵ www.bbookcity.com



فهرست

۹	 دیباچه
۱۳	 بیان گفتار مترجم
۱۵	 فصل اول: آشنایی با تاروت
۲۵	 فصل دوم: نقش‌های تاروت
۴۷	 فصل سوم: ابله
۷۵	 فصل چهارم: کیمیاگر، خالق و نیکوکار
۱۰۹	 فصل پنجم: پاپ‌بانو، کاهنه‌ی بزرگ تاروت
۱۲۷	 فصل ششم: سلطان‌بانو، مادر مقدس، بزرگ‌ماد، ملکه‌ی زمین و آسمان
۱۴۱	 فصل هفتم: سلطان، پدر تمدن
۱۶۳	 فصل هشتم: پاپ اعظم: چهره‌ی مشهود خداوند
۱۷۷	 فصل نهم: عاشق
۱۹۱	 فصل دهم: ارابه: ما را به خانه می‌برد
۲۰۹	 فصل یازدهم: عدالت: آیا وجود دارد؟
۲۲۳	 فصل دوازدهم: درویش: کسی آنجاست؟
۲۴۱	 فصل سیزدهم: چرخ اقبال: کمک

- فصل چهاردهم: قدرت: از آن چه کسی است؟ ۲۶۹
- فصل پانزدهم: مرد آویخته: تعلیق ۲۸۵
- فصل شانزدهم: مرگ: دشمن ۳۰۱
- فصل هفدهم: اعتدال: کیمیاگر آسمانی ۳۲۵
- فصل هجدهم: دیو: فرشته‌ی تاریکی ۳۴۱
- فصل نوزدهم: برج ویرانی: لمس آزادی ۳۶۷
- فصل بیستم: ستاره: برق امید ۳۸۳
- فصل بیست و یکم: ماه: دوشیزه یا تهدید؟ ۴۰۹
- فصل بیست و دوم: خورشید: مرکز درخشان ۴۲۵
- فصل بیست و سوم: ستاره‌یز: سور ۴۳۹
- فصل بیست و چهارم: جهان: پنجره‌ی رو به جاودانگی ۴۵۵
- فصل بیست و پنجم: چیدن کارت‌ها ۴۷۷
- آیا قرار است فال بگیریم؟ ۴۷۷
- تفسیر کارت‌ها: پیشگویانه یا نمادین ۴۷۹
- کارت مرگ ۴۸۲
- سرنوشت از پیش مقدر یا اراده‌ی آزاد ۴۸۳
- گستره‌ی نه کارتی ۴۸۶
- شیوه اول: گستره‌ی آشکار ۴۸۶
- شیوه‌ی دوم: گستره‌ی پنهان ۴۹۰

دیباچه

بسیاری می‌پندارند اولویت نخست یونگ همان چیزی است که نام آن را «ناخودآگاه جمعی» نهاده و درست به همین دلیل از مشاهده و درک ماهیت و عظمت نقش او در زندگی امروز محروم می‌مانند. متأسفانه این پندار در میان شاگردان او نیز رواج دارد. درست است، او نخستین کسی بود که ناخودآگاه جمعی را یافت، درباره آن تحقیق، آن را تعریف و به زندگی ما وارد کرد، اما در نهایت، ناخودآگاه جمعی، آن را ناشناخته‌ی همگانی در ذهن انسان نبود. رازی که روح آدمی را به تسخیر خود درآورد و او را به جست‌وجوی کشف راز وداشت، راز آگاهی، و رابطه‌ی آن با ناخودآگاهی عظیم است.

بنابراین تعجبی ندارد که یونگ نخستین فزونی است که به بزرگ‌ترین و معنادارترین پارادوکس پرداخته است: ناخودآگاه و خودآگاه عمیقاً با هم در رابطه هستند و رفاه و آرامش یکی بدون رفاه و آرامش آن دیگری امکان‌پذیر نیست. اگر رابطه‌ی بین این دو هستی شگرف کم شود یا اسب ببیند، انسان بیمار می‌شود و معنای زندگی را از دست می‌دهد؛ اگر جریان بین این دو مدتی طولانی قطع شود، روح و زندگی انسان دچار آشفتگی و تاریکی می‌شود. آگاهی برای انسان معادل و هم‌معنی منطق قطعی و مطلق امروزی نیست، بلکه به معنای خرد و دانش ذهن و روح است. و این چیزی نیست که انسان بتواند تنها با تکیه به توانایی‌های انسانی خود به دست آورد. در حالی که بسیاری از مکاتب فلسفه‌ی مدرن اصرار دارند آنچه به شکل کلامی و عقلی قابل اثبات نباشد بی‌معنی است و ارزش بیان ندارد، یونگ با مشاهده و تجربه ثابت کرد آگاهی روندی عقلانی نیست و زندگی انسان امروز به این دلیل آشفتگی و عاری از معنا شده که از

رئیس‌انسان به این سو، همواره تلاش کرده اثبات کند آگاهی و قدرت تعقل یکی هستند. من به هر کسی که فکر می‌کند دارم در این مورد اغراق می‌کنم، فقط گفته‌ی «من فکر می‌کنم، پس هستم» دکارت را یادآوری می‌کنم و این همانی و هم‌ذات‌پنداری انسان با غرور اروپایی که انقلاب فرانسه را پدید آورد، انقلابی که پدر انقلاب دهشتناک اتحاد جماهیر شوروی شد، و این روند هر روز بیش از دیروز به نابودی روح خلاق آدمی در جاهایی می‌انجامد که زمانی پناهگاه معنوی زندگی بودند، مکان‌هایی مثل کلیساها، معبد‌ها، دانشگاه‌ها و مدرسه‌ها در سراسر جهان.

یونگ پس از کار با افرادی که به آن‌ها «دیوانه» می‌گفتند و افراد روان‌نژندی که به دنبال درمانی برای مشکل‌شان نزد او می‌آمدند به شواهد و مدارکی دست یافت که نشان می‌دادند اکثر اختلالات روانی و ذهنی ناشی از محدود ساختن آگاهی انسانی است. هرچه مقدار میزان آگاهی محدودتر شود، هرچه قدر آگاهی انسانی بیشتر به سمت غیر و منطق سوق داده شود، بیشتر با این خطر مواجه خواهیم شد که نیروهای ناخودآگاه جمعی علیه ما شورش کنند، گویی جنگی را با ما آغاز کرده‌اند که در اثر این جنگ آخرین ذرات آگاهی انسانی، آگاهی‌ای که به سختی به دست آمده بود نیز از دست خواهد رفت. برای یونگ پاسخ این مشکل آشکار بود: انسان تنها با کار مداوم برای افزایش آگاهی خود می‌تواند والاترین معنای را در زندگی کشف کند. ارزش‌های متعالی خود را تحقق بخشد. او کوشید این پارادوکس طبیعی را دوباره در جای درست خود قرار دهد و ثابت کند آگاهی همواره عمیق‌ترین خواب ناخودآگاه هم دیده است و این موضوع، قدمتی به اندازه‌ی تاریخ روح انسان دارد و می‌توان آن را تا جایی که افسانه‌ها و اسطوره‌ها اجازه دهند دنبال کرد. ناخودآگاهی همواره خواستار هوشیاری بیشتر و بیشتر نسبت به خود بوده است و یونگ ترجیح داده این هوشیاری را «آگاهی» بخواند. از نظر او این «آگاهی»، تمامی فرم‌های غیر منطقی مشاهده و دانایی را دربرمی‌گیرد، فرم‌هایی که به نوبه‌ی خود بسیار ارزشمندند زیرا همچون پلی ما را به گنج پایان‌ناپذیر معنایی هنوز تحقق نیافته در ناخودآگاه جمعی می‌رسانند، معنایی که همیشه باعث تقویت و گسترش آگاهی در انسان

می‌شود، انسانی که به نفع زندگی وارد مبارزه‌ای بی‌پایان شده است و من نیز در این مورد همچون یونگ می‌اندیشم.

و به اعتقاد من، این بزرگ‌ترین کاری بود که یونگ برای ایجاد درکی تازه و حائز اهمیت نسبت به ماهیت خودآگاهی انجام داد: این درک باید در ما احیا می‌شد و گسترش می‌یافت چرا که زندگی طالب این تغییر بود و می‌خواست خطوط ارتباطی غیر عقلانی‌اش با ناخودآگاهی جمعی حفظ شود. به همین دلیل یونگ، ای راه‌های غیر عقلانی که انسان در گذشته از طریق آن به کشف راز زندگی و پرداخت و آگاهی خود را از جهان گسترده در اطراف خود افزایش می‌داد و به درک تازه‌ای از هستی و دانش می‌رسید، اهمیت بسیار زیادی قائل بود. با آگاهی از این موضوع، علاقه‌ی او به ستاره‌شناسی و تاروت دیگر عجیب به نظر نمی‌رسد.

یونگ به درستی دریافت تاروت همچون بسیاری دیگر از بازی‌ها و تلاش‌های کهن برای پی‌سنجی آینده و آنچه نامعلوم است، ریشه در ساختارهای ژرف ناخودآگاهی جمعی دارد. بست و -و- در این ساختارها به‌طور بالقوه می‌تواند باعث افزایش آگاهی شود. درک نیز یکی دیگر از پل‌های غیرمعقول بین ناخودآگاهی و خودآگاهی است که جریان بین تاریکی و روشنایی را برقرار نگاه می‌دارد و آن را گسترش می‌دهد.

«سالی نیکولز» در تحقیق ژرف خود درباره‌ی تاروت و تفسیر روشنگران‌اش از الگوهای حاکم بر این کارت‌ها به تلاشی موثق معتزله دست زده است تا ادراک آدمی را درباره‌ی آنچه روانکاوی تحلیلی نیز به دنبال آن است، گسترش دهد. کتاب او ما را یاری می‌دهد تا بدانیم آگاهی چه مسئولیت عظیمی بر دوش ما قرار می‌دهد. نیکولز در کتاب خود ما را با اهمیت کار یونگ بیشتر آشنا کرده است، کاری که بیشتر ما، با وجود آگاهی از کار سترگ یونگ، از پس انجام آن برنیامده‌ایم. یونگ به عنوان شخصی بسیار شهودی، در بند بصیرت شوریده و آشفته‌ی خود بود و نمی‌توانست مدتی طولانی تنها بر یک جنبه از این بصیرت تمرکز کند. به همین دلیل لازم است فرد دیگری با همان عقل و درایت وی، و بر اساس همان شیوه‌ی علمی او، بر بخش خاصی از کار وی تمرکز کند تا بتواند

اعتبار آن را به شکلی تجربی اثبات کند. روح یونگ (روحی شهودی که انگیزه‌ی حرکت او بود)، در دوره‌ای خطیر همچون دوره‌ی ما، روحی بود نومیدانه در شتاب و عجله. به همین دلیل هر آنچه انجام داده است، به شرح و بسط نیاز دارد. سالی نیکولز در این کتاب بر اساس روان‌شناسی یونگ و پیروان او، به شرح و گسترش داستان تاروت پرداخته و درک ما را از نقش منابع غیرعقلانی ناخودآگاه افزایش داده و با این کار خدمت بزرگی انجام داده است. از همه مهم‌تر، نیکولز این کار را نه به شکل آکادمیک و دانشگاهی، بلکه بر اساس درک تجربی خود از سبوت و نور شگرف و غریب آن انجام داده است. در نتیجه کتاب وی جان‌بخش و مایه‌ی حیات است.

لارنس ون در پست (Laurens van der Post)